



محتوای مسابقه دانش آموزان

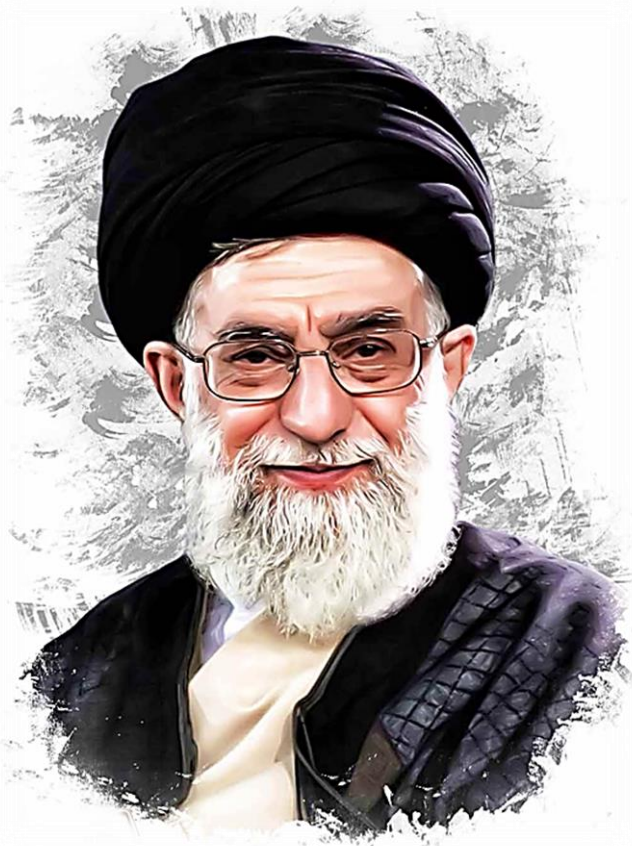
مراحل آموزشگاهی و منطقه‌ای

دوره دوم متوسطه

(متوسطه)

نخستین

بلاغه



شما عزیزان و نور چشمهای ما، دانش آموزان و زبدگان و بچه‌های با استعداد و خوش حافظه - چه دختر و چه پسر - که در وادی حفظ و ترجمه‌ی نهج البلاغه و فراگیری این کتاب مقدس افتاده‌اید، بدانید که این نعمت، بسیار با برکت و با عظمت است. این موهبت خدایی را مغتنم شمارید و پیش بروید.

بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش آموزان شرکت کننده در مسابقات نهج البلاغه سال ۱۳۶۵.



پیشگفتار

« نهج البلاغه در مجموع درس زندگی اجتماعی برای مسلمان‌هاست؛ مطالب این کتاب به طور مجرد از زندگی مطرح نشده. گوینده‌ی این کلمات یک رئیس مملکت، یک حاکم و فرمانروای بزرگی است که سلطنت او و حکومت او بر یک کشور پهناور و عظیمی گسترش داشته و این انسان بزرگ - که مسؤولیت ملک‌داری و زمامداری را هم بر دوش داشته - با احساس این مسؤولیت عظیم این مطالب را بر زبان جاری کرده. مانند گفته‌های یک حکیمی نیست که دور از غوغای زندگی و فارغ از واقعیت‌ها و مسائل گوناگونی که در یک جامعه ممکن است مطرح باشد، می‌نشیند و معارف اسلامی را بیان می‌کند. مانند عارفی نیست که به حالات و کیفیات درونی و نفسانی خود تکیه می‌کند. انسانی است که بار مسؤولیت اداره‌ی یک جامعه‌ی عظیم را بر دوش خود احساس می‌کند و دانای دین و بصیر به همه‌ی معارف اسلامی و قرآنی است؛ با این دل پرمعرفت، با این روح بزرگ و در مقام این مسؤولیت با مردم روبرو می‌شود، با آن‌ها حرف می‌زند، از آن‌ها می‌خواهد، به آن‌ها می‌گوید و پاسخ سؤال‌ها و استفهام‌های آن‌ها را می‌دهد؛ این شرایط صدور نهج البلاغه است.

شاید با همه‌ی روایاتی که ما از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) داریم از این جهت فرق می‌کند، آن‌ها مربوط به دوران حاکمیت مورد قبول اسلامی از دیدگاه ائمه (علیهم‌السلام) زندگی نمی‌کردند. آن‌ها در دوران اختناق به سر می‌بردند، مسائل از دیدگاه یک حاکم و مسؤول اداره‌ی مملکت بر زبان آن‌ها جاری نمی‌شد. اما امیرالمؤمنین به عنوان یک حاکم اسلامی حرف می‌زند، با یک جامعه‌ای که تحت اشراف و حکومت خود اوست حرف می‌زند، و این بیشترین سخنانی است که از امیرالمؤمنین در نهج البلاغه نقل شده. البته در کلمات آن حضرت سخنانی هم هست که مربوط به دوران حکومت ایشان نیست. ما امروز در همان شرایط قرار داریم، شرایط کنونی جامعه‌ی اسلامی همان شرایط است. البته نهج البلاغه مخصوص کشور ما نیست، مال همه دنیای اسلام است، اما دنیای اسلام هم امروز در حال یک بیداری و حیات دوباره‌ی اسلامی است، در کشور ما و در جامعه‌ی ما - که در سایه‌ی همین آموزش‌های امیرالمؤمنین و با اتکاء به نفس نهج البلاغه این انقلاب به پیروزی رسیده، و امروز همان جامعه اسلامی و علوی تشکیل شده و همان شرایط تقریباً در بیشتر ابعاد بر جامعه‌ی ما و کشور ما حکومت می‌کند - امروز روز استفاده‌ی هر چه بیشتر از نهج البلاغه است.

امروز شرایطی مشابه شرایط دوران حکومت امیرالمؤمنین است، پس روزگار نهج البلاغه است. امروز می‌شود {با} از دیدگاه دقیق و نافذ امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به واقعیت‌های جامعه و واقعیت‌های جهان نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج آن‌ها را پیدا کرد. لذاست که به نظر ما امروز از همیشه به نهج البلاغه ما محتاج‌تریم.»



پایه دوم متوسطه

خطبه ۴۱

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ وَلَا أَعْلَمُ جُنَّةً أَوْقَى مِنْهُ وَمَا يَغْدِرُ مَنْ عَلِمَ كَيْفَ الْمَرْجِعِ. وَ لَقَدْ أَصْبَحْنَا فِي زَمَانٍ قَدْ اتَّخَذَ أَكْثَرُ أَهْلِهِ الْغَدَرَ كَيْسًا وَ نَسَبَهُمْ أَهْلُ الْجَهْلِ فِيهِ إِلَى حُسْنِ الْحِيَلَةِ. مَا لَهُمْ! قَاتَلَهُمُ اللَّهُ! قَدْ يَرَى الْحَوْلُ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحِيَلَةَ وَ دُونَهَا مَانِعٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، فَيَدْعُهَا رَأَى عَيْنٍ بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهَا، وَ يَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيْجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ.

ای مردم! وفا همزاد راستگویی است (و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند) و من سپری محکمتر و نگهدارنده تر از آن سراغ ندارم. آن کس که از چگونگی رستاخیز آگاه است هرگز پیمان شکنی نمی کند. ما در زمانی زندگی می کنیم که غالب اهلس خیانت و پیمان شکنی را کیاست و عقل می شمارند، و جاهلان بی خبر این گونه افراد را مدیر و مدبر می شمارند! آنها را چه می شود؟ خداوند آنان را بکشد! گاه شخصی که آگاهی و تجربه کافی دارد و طریق مکر و حلیه را خوب می داند فرمان الهی و نهی او وی را مانع می شود، و با این که قدرت بر انجام این کارها را دارد آشکارا آن را رها می سازد، ولی آن کس که از گناه و مخالفت فرمان دین پروا ندارد، از فرصتی که پیش آمده استفاده می کند (و دست به کارهای خلافی می زند که در نظر ساده اندیشان تدبیر و سیاست

خطبه ۱۱۰

بخش اول: إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى، الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ، فَإِنَّهُ ذُرْوَةُ الْإِسْلَامِ؛ وَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ؛ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمِلَّةُ؛ وَ إِيتَاءُ الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ؛ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنَ الْعِقَابِ؛ وَ حَجُّ الْبَيْتِ وَ اعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَرْحَضَانِ الذَّنْبَ، وَ صَلَاةُ الرَّحِمِ فَإِنَّهَا مَثْرَاةٌ فِي الْمَالِ، وَ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ؛ وَ صَدَقَةُ السَّرِّ فَإِنَّهَا تُكْفِرُ الْخَطِيئَةَ؛ وَ صَدَقَةُ الْعِلَانِيَةِ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مِيتَةَ السُّوءِ؛ وَ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ فَإِنَّهَا تَقِي مَصَارِعَ الْهُوَانِ.

برترین وسیله ای که متوسلان به خدا، به آن توسل می جویند ایمان به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) اوست و جهاد در راه خدا که قلّه رفیع اسلام است و کلمه اخلاص (و شهادت به یگانگی خدا) که هماهنگ با فطرت انسانی است، و برپا داشتن نماز که حقیقت دین و آیین است، و ادای زکات که فریضه ای واجب است، و روزه ماه رمضان که سپری در برابر عذاب الهی



است، و حج و عمره خانه خدا که نابود کننده فقر و شستشو دهنده گناه است و صلّه رحم که سبب فزونی مال و طول عمر، و صدقه پنهانی که کفاره گناهان است و صدقه آشکار که از مرگ های بد پیشگیری می کند و خدمت به خلق که از لغزش ها و شکست های خفت بار جلوگیری می کند.

بخش دوم: أَفِيضُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الذِّكْرِ. وَارْغَبُوا فِيمَا وَعَدَ الْمُتَّقِينَ فَإِنَّ وَعْدَهُ أَصْدَقُ الْوَعْدِ. وَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ. وَاسْتَنَّوْا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ. وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ، وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ، وَ إِنِّ الْعَالَمَ بِغَيْرِ عِلْمِهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ مِنْ جَهْلِهِ؛ بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ أَكْبَرُ، وَ الْحَسْرَةُ لَهُ أَكْبَرُ، وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْوَمُ.

پیوسته به یاد خدا باشید که بهترین یادهاست! و به آنچه خداوند به پرهیزکاران وعده داده است، علاقه مند باشید که وعده او صادق ترین وعده هاست! به راه و رسم پیامبران اقتدا کنید، که بهترین راه و رسم هاست! دستورها و سنت او را به کار بندید که هدایت کننده ترین سنت هاست! قرآن را فرا گیرید که بهترین گفته هاست! و در آن بیندیشید که بهار قلب هاست! از نور آن شفا و درمان بطلبید که شفای دلها(ی بیمار) است! و آن را به نیکوترین وجه تلاوت کنید، که نیکوترین سخن هاست.

به یقین، عالمی که به غیر علمش عمل می کند، همچون جاهل سرگردانی است که هرگز از جهل خویش بیرون نمی آید؛ بلکه حجت بر او عظیم تر، حسرتش پایدارتر، و سرزنش او در پیشگاه خدا سزاوارتر است!



پایه سوم متوسطه

خطبه ۲۳

بخش اول: **أَمَّا بَعْدُ:** فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ كَقَطْرَاتِ الْمَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَسَمَ لَهَا، مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ غَفِيرَةً فِي أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ فَلَا تَكُونَنَّ لَهُ فِتْنَةً! فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ مَا لَمْ يَغْشَ ذَنَاءَةً تَظْهَرُ فَيَخْشَعُ لَهَا إِذَا ذُكِرَتْ وَ يُعْرِى بِهَا لِنَامِ النَّاسِ، كَانَ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فَوْزَةٍ مِنْ قِدَاحِهِ تُوجِبُ لَهُ الْمَغْنَمَ، وَ يُرْفَعُ بِهَا عَنْهُ الْمَغْرَمُ. وَ كَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ الْبَرِيُّ مِنَ الْخِيَانَةِ يَنْتَظِرُ مِنَ اللَّهِ إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ: إِمَّا دَاعِيَ اللَّهِ فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ، وَ إِمَّا رِزْقَ اللَّهِ فَإِذَا هُوَ ذُو أَهْلٍ وَ مَالٍ، وَ مَعَهُ دِينُهُ وَ حَسْبُهُ. وَ إِنْ أَلْمَأَ وَ الْبَيْنِينَ حَرْتُ الدُّنْيَا، وَ الْعَمَلَ الصَّالِحَ حَرْتُ الْآخِرَةِ، وَ قَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَقْوَامٍ.

اما بعد (از حمد و ثنای الهی بدانید! این خطبه مشتمل بر ترغیب فقرا به زهد و توصیه اغنیا به محبت و مهربانی است.) مواهب پروردگار، مانند قطره های باران، از آسمان به زمین نازل می شود و به هر کس سهمی زیاد یا کم، (مطابق آنچه خداوند مقدر فرموده) می رسد. بنابراین هرگاه یکی از شما برای برادر خود برتری ای در همسر و فرزند و مال یا جسم و جان ببیند، نباید نسبت به او موجب فتنه گردد (و سبب حسادت و کینه و عداوت و یا یأس و سوءظن به پروردگار شود)؛ زیرا، هر گاه مسلمان به عمل زشتی که از آشکار شدنش شرمنده می شود و افراد پست، آن را وسیله هتک حرمتش قرار می دهند، دست نیالاید، به مسابقه دهنده ماهری می ماند که منتظر است در همان دور نخست، پیروز شود و سود وافری ببرد، بی آن که زیانی ببیند. نیز، مسلمانی که از خیانت به دور است، در انتظار یکی از دو خوبی از سوی خدا است: یا فرا رسیدن دعوت الهی است (که عمر او را به نیکنامی و حسن عاقبت پایان می دهد) و در این حال، آنچه را خداوند از پاداش های نیک فراهم ساخته، برای او بهتر است، و یا سرانجام، در همین دنیا، خداوند، روزی او را وسیع می کند و صاحب همسر و فرزند (و مال فراوان) می شود، در عین این که دین و شخصیت خود را حفظ کرده است؛ ولی (بدانید فرق میان این دو، بسیار است.) مال و فرزندان، کشت و زراعت این جهانند و عمل صالح و نیک، کشت آخرت است، اما گاهی خداوند، هر دو را برای گروهی جمع می کند. (و آنان را از نعمت های دنیا و آخرت، هر دو، بهره مند می سازد.)



بخش دوم: فَاحْذَرُوا مِنَ اللَّهِ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ، وَاحْشَوْهُ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ! وَأَعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلْهُ اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ. نَسَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشَّهَدَاءِ وَمُعَايِشَةَ السُّعْدَاءِ وَمُرَاقَبَةَ الْأَنْبِيَاءِ.

ترجمه

از خدا بترسید آن گونه که شما را از خویش برحذر داشته است! و صادقانه، از او خشیت داشته باشید، به طوری که نیازی به عذرخواهی های واهی نباشد! اعمال خود را از ریا و سُمعه، پاک کنید! چرا که هر کس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند، او را به همان کس وامی گذارد (تا پاداشش را از او بگیرد).

از خدا تقاضا می کنیم که درجات شهیدان و زندگی سعادتمندان و همنشینی پیامبران را، به ما عنایت فرماید!

بخش سوم: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ - وَ إِنْ كَانَ ذَا مَالٍ - عَنْ عِتْرَتِهِ، وَ دَفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ هُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَ أَلْمُهُمْ لِشَعْبَتِهِ وَ أَعْظَمُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلَةٍ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ. وَ لِسَانُ الصِّدْقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْمَالِ يَرِثُهُ غَيْرُهُ.

ترجمه

ای مردم! انسان، هر چند ثروتمند باشد، از اقوام و بستگان خود، بی نیاز نیست که از وی، با دست و زبان دفاع کنند. آنها در واقع، بزرگ ترین گروهی هستند که از او پشتیبانی می کنند و پریشانی و مشکلات را از میان می برند و به هنگام بروز حوادث سخت، نسبت به او، از همه، مهربان ترند و نام نیکی که خداوند (در سایه نیکوکاری و محبت) به انسان عطا می کند، از ثروتی که به هر حال، برای دیگران به ارث می گذارد بهتر است، (که این، ثروتی است معنوی و ماندگار، و آن جیفه ای مادی و فرار).

بخش چهارم : و منها: أَلَا لَا يَعْدِلُنَّ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَى بِهَا الْخِصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا بِالْأَيْدِي لَا يَزِيدُهُ إِنْ أَمْسَكَهُ وَ لَا يَنْقُصُهُ إِنْ أَهْلَكَهُ; وَ مَنْ يَقْبِضْ يَدَهُ عَنِ عَشِيرَتِهِ، فَإِنَّمَا يَقْبِضُ مِنْهُ عَنْهُمْ يَدٌ وَاحِدَةٌ وَ يَقْبِضُ مِنْهُمْ عَنْهُ أُيُدٌ كَثِيرَةٌ، وَ مَنْ تَلَّنْ حَاشِيَتَهُ يَسْتَدِمُ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوَدَّةَ.

ترجمه

در ادامه همان خطبه آمده: آگاه باشید! هیچ یک از شما، نباید از بستگان نیازمند خود، رویگردان شود و از آنان، چیزی را دریغ دارد؛ که نگه داشتنش مایه فزونی نیست و از بین رفتنش، کمبودی برای او نمی آورد. آن کس که دست دهنده خویش را از بستگانش بازدارد، تنها یک دست را از آنها باز داشته، و در مقابل، آنان، دست های بسیاری را از کمک کردن به او، باز می دارند. و آن کس که نسبت به بستگانش، متواضع و نرمخو و پرمحبت باشد، دوستی آنان را، برای خود، همیشگی خواهد ساخت.



خطبه ۳۲

بخش اول: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عُنُودٍ، وَزَمَنٍ كُنُودٍ، يُعَدُّ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا وَ يَزْدَادُ الظَّالِمُ فِيهِ عُتُورًا. لَا نَنْتَفِعُ بِمَا عَلِمْنَا، وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا جَهِلْنَا، وَلَا نَتَخَوَّفُ قَارِعَةً حَتَّى تَحُلَّ بِنَا.

ای مردم! ما در روزگاری کینه توز و زمانی پرکفران واقع شده ایم که در آن نیکوکار، بدکردار شمرده می شود و پیوسته بر ظلم ظالمان افزوده می شود. از آنچه می دانیم بهره نمی گیریم و از آن چه نمی دانیم سؤال نمی کنیم و از حوادث کوبنده تا بر ما فرود نیاید نمی ترسیم!

بخش دوم: فَالْنَّاسُ عَلَىٰ أَرْبَعَةٍ أَصْنَافٍ: مِنْهُمْ مَنْ لَا يَمْنَعُهُ الْفَسَادُ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَهَانَةً نَفْسِهِ، وَ كَلَالَةً حَدِّهِ، وَ نَضِيضٌ وَفَرِهِ. وَ مِنْهُمْ الْمُصَلِّتُ لِسَيِّفِهِ، وَ الْمَعْلَنُ بِشِرِّهِ، وَ الْمُجَلِبُ بِخَيْلِهِ وَ رَجَلِهِ، قَدْ أَشْرَطَ نَفْسَهُ، وَ أَوْبَقَ دِينَهُ لِحُطَامٍ يَنْتَهِرُهُ، أَوْ مِقْنَبٍ يَقُوذُهُ، أَوْ مِنْبَرٍ يَفْرَعُهُ. وَ لَيْسَ الْمَتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا، وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عِوَضًا! وَ مِنْهُمْ مَنْ يُطَلِّبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَ لَا يُطَلِّبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ، وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ، وَ شَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ، وَ زَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ، وَ اتَّخَذَ سِتْرًا لِلَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ.

وَ مِنْهُمْ مَنْ أَقْعَدَهُ عَنْ طَلَبِ الْمُلْكِ ضُؤُولَةَ نَفْسِهِ، وَ انْقِطَاعَ سَبَبِهِ فَقَصَّرَتْهُ الْحَالُ عَلَىٰ حَالِهِ، فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقِنَاعَةِ، وَ تَرَزَّنَ بِلِبَاسِ أَهْلِ الزَّهَادَةِ، وَ لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاحٍ وَلَا مَعْدَى.

و مردم (فاسد) چهار گروه اند: گروهی از آنها کسانی هستند که اگر دست به فساد نمی زنند، به خاطر این است که روحشان ناتوان و شمشیرشان کند و مالشان اندک است (آری، آنها در ایجاد فساد، شناگران ماهری هستند، ولی آب پیدا نمی کنند). گروه دیگر کسانی هستند که شمشیر کشیده و شرارت و فساد خویش را آشکار ساخته و لشکر سواره و پیاده خود را (برای این منظور گردآوری کرده اند). آنها، باطن خود را برای ظلم و فساد آماده ساخته و دین خود را تباه کرده اند. هدفشان آن است که چیزی از متاع دنیا را به چنگ آورند یا فرماندهی بر گروهی را برای خود فراهم سازند یا بر منبری صعود کنند (و لباس پیشوایی مردم را بر تن کنند و برای آنها، خطبه های دروغین بخوانند). چه بد تجارتي است که تو (ای انسان فاسد و طغیانگر) برای خود فراهم ساخته ای: دنیا را بهای خویشان می بینی و آن را با پادشاهی که نزد خدا است معاوضه می کنی!

گروه دیگری از مردم، کسانی هستند که دنیا را با کارهای آخرت طلب می کنند، نه این که آخرت را با عمل دنیا طلب کنند. (آنها با ریاکاری دین خود را به دنیا می فروشند و آنچه را نتوانستند با ظلم و زور به دست آورند، با تزویر می طلبند و برای وصول به این هدف)، خود را متواضع جلوه می دهند. گامها را کوتاه برمی دارند و دامن خود را (ظاهراً از آلودگی به دنیا) جمع می کنند و خویشان را به زیور امانتداران می آریند (و در یک جمله) پوشش خدایی را وسیله معصیت قرار می دهند. گروه دیگر کسانی هستند که حقارت و ناتوانی و نداشتن وسیله کافی، آنان را از رسیدن به جاه و مقام بازداشته و دستشان را



از همه جا کوتاه کرده است، (در حالی که از دیگر فاسدان و مفسدان چیزی کم ندارند، ولی به این حقیقت هرگز اعتراف نمی کنند، بلکه) خود را به زیور قناعت آراسته اند و به لباس زاهدان درآمدہ اند، در حالی که در هیچ زمان، نه به هنگام شب و نه روز، در سلک پارسایان راستین نبوده اند. (این چهار گروه همه فاسدند و همه خطرناکند، هر چند در چهره های مختلف ظاهر می شوند.

بخش سوم: وَ بَقِيَ رَجَالٌ غَضَّ أَبْصَارَهُمْ ذِكْرُ الْمَرْجِعِ وَ أَرَأَقَ دُمُوعُهُمْ خَوْفُ الْمُحْشَرِ، فَهُمْ بَيْنَ شَرِيدِ نَادٍ، وَ خَائِفِ مَمْنُوعٍ وَ سَاكِتِ مَكْعُومٍ وَ دَاعٍ مُخْلِصٍ وَ تَكْلَانٍ مُوجِعٍ قَدْ أَخْمَلَتْهُمُ التَّقِيَّةُ وَ شَمَلَتْهُمُ الذَّلَّةُ فَهُمْ فِي بَحْرِ أَجَاجٍ أَفْوَاهُهُمْ ضَامِرَةٌ، وَ قُلُوبُهُمْ قَرِيحَةٌ، قَدْ وَعَظُوا حَتَّى مَلُّوا وَ قَهَرُوا حَتَّى ذَلُّوا، وَ قَتَلُوا حَتَّى قَلُّوا.

(در این میان) گروهی باقی مانده اند که یاد قیامت، چشمهایشان را فرو افکنده و ترس دادگاه محشر اشکهایشان را جاری ساخته است. آنان (به خاطر حق گویی و حق جویی) یا از جامعه رانده و آواره شده اند و یا ترسان به گوشه تنهایی خزیده و یا خاموشند و مَهْر سکوت، بر دهان زده اند (چرا که گوش شنوا و دل بیداری که حق را درک نمی یابند) یا مخلصانه (به امید تأثیر در بعضی از دل ها) به سوی خدا دعوت می کنند و یا با چشمی گریان و دلی پردرد (به صحنه های پرفسادی که قادر بر تغییر آن نیستند) می نگرند. تقیه آنان را منزوی ساخته و به فراموشی سپرده، (به خاطر نبودن یار و یاور) ناتوانی و ذلت وجودشان را فرا گرفته است. آنها به کسانی می مانند که در دریای نمک فرو رفته اند (که هرگونه حرکتی برای آنها سبب سوزش بیشتر است). دهانشان بسته و قلوبشان مجروح است. آن قدر نصیحت کرده اند که خسته شده اند و به قدری تحت فشار قرار گرفته اند که ناتوان گشته اند و آن قدر (در میدان مبارزه) کشته داده اند که به کمی گراییده اند.

(در این میان) گروهی باقی مانده اند که یاد قیامت، چشمهایشان را فرو افکنده و ترس دادگاه محشر اشکهایشان را جاری ساخته است. آنان (به خاطر حق گویی و حق جویی) یا از جامعه رانده و آواره شده اند و یا ترسان به گوشه تنهایی خزیده و یا خاموشند و مَهْر سکوت، بر دهان زده اند (چرا که گوش شنوا و دل بیداری که حق را درک نمی یابند) یا مخلصانه (به امید تأثیر در بعضی از دل ها) به سوی خدا دعوت می کنند و یا با چشمی گریان و دلی پردرد (به صحنه های پرفسادی که قادر بر تغییر آن نیستند) می نگرند. تقیه آنان را منزوی ساخته و به فراموشی سپرده، (به خاطر نبودن یار و یاور) ناتوانی و ذلت وجودشان را فرا گرفته است. آنها به کسانی می مانند که در دریای نمک فرو رفته اند (که هرگونه حرکتی برای آنها سبب سوزش بیشتر است). دهانشان بسته و قلوبشان مجروح است. آن قدر نصیحت کرده اند که خسته شده اند و به قدری تحت فشار قرار گرفته اند که ناتوان گشته اند و آن قدر (در میدان مبارزه) کشته داده اند که به کمی گراییده اند.

بخش چهارم: فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ خُتَالَةِ الْقَرْظِ وَ قُرَاضَةِ الْجَلَمِ وَ اتَّعِظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ، وَ ارْقُضُوهَا دَمِيمَةً، فَإِنَّهَا قَدْ رَفِضَتْ مَنْ كَانَ أَشْغَفَ بِهَا مِنْكُمْ.



باید دنیا در چشم شما کم ارزشتر از تفاله برگ هایی باشد که با آن دباغی می کنند (که بسیار بدبو و متعفن و بی ارزش است) یا (بی بهاتر از) بقایای قیچی شده پشم حیوانات باشد (که بر زمین می ریزد و کسی به آن اعتنا ندارد). و از کسانی که پیش از شما بودند پند گیرید، قبل از آن که آیندگان از شما پند گیرند و این دنیای پست و نکوهیده را رها کنید زیرا کسانی را که از شما شیفته تر نسبت به آن بودند رها ساخت (و به عاشقان خود کم ترین وفایی نکرد).



پایه چهارم متوسطه

خطبه ۲۸

بخش اول: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ أَدْبَرَتْ، وَ أَدْنَتْ بِوَدَاعٍ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ، وَ أَشْرَفَتْ بِاطِّلَاعٍ، أَلَا وَ إِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارَ وَ غَدَاً السَّبَّاقَ وَ السَّبْقَةَ الْجَنَّةَ وَ الْغَايَةَ النَّارَ؛ أَفَلَا تَأْتِبُ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ مَيِّتِهِ! أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ! أَلَا وَ إِنَّكُمْ فِي أَيَّامٍ أَمَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ، فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ. وَ مَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ خَسِرَ عَمَلَهُ وَ ضُرَّهُ أَجَلُهُ.

ترجمه

اما بعد، همانا دنیا روی برگردانده و وداع خویش را اعلام داشته و آخرت روی آورده و طلایه های آن آشکار گردیده است. بدانید امروز روز تمرین و آمادگی است و فردا روز مسابقه. جایزه برندگان بهشت و سرانجام (شوم) عقب ماندگان آتش دوزخ است. آیا کسی نیست که پیش از فرا رسیدن مرگش از خطاهایش توبه کند آیا انسانی پیدا نمی شود که قبل از رسیدن روز ناراحتیش، عمل نیکی برای خود انجام دهد؟ آگاه باشید! شما در دوران امید و آرزوئی به سر می برید (که فرصت بسیار گرانبهائی است) و مرگ در پی آن است (با این حال) هر کس (از این فرصت استفاده کند) و در ایام امیدش، پیش از فرا رسیدن اجلس به عمل صالح پردازد، اعمالش به او سود می بخشد و فرا رسیدن اجلس، زیانی به او نمی رساند. و هر کس در ایام امیدش و پیش از فرا رسیدن اجلس، در عمل کوتاهی کند گرفتار خسران شده و فرا رسیدن اجلس برای او زیانبخش خواهد بود (چرا که فرصت گرانبهائی و غیر قابل بازگشتی را از دست داده است).

بخش دوم: أَلَا فَاعْمَلُوا فِي الرَّعْبَةِ كَمَا تَعْمَلُونَ فِي الرَّهْبَةِ! أَلَا وَ إِنِّي لَمُ أَرُ كَالْجَنَّةِ نَامٌ طَائِبُهَا، وَ لَا كَالنَّارِ نَامٌ هَارِبُهَا، أَلَا وَ إِنَّهُ مَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْحَقُّ، يَضُرُّهُ الْبَاطِلُ، وَ مَنْ لَا يَسْتَقِيمُ بِهِ الْهُدَى، يَجْرُ بِهِ الضَّلَالُ إِلَى الرَّدَى. أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ أَمَرْتُمْ بِالظَّنَنِ وَ دَلَلْتُمْ عَلَى الزَّادِ وَ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى، وَ طُولُ الْأَمَلِ، تَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا.

ترجمه

بانگ الرحیل را سر داده اند! آگاه باشید! همان گونه که به هنگام ترس عمل می کنید در موقع آرامش نیز عمل کنید! (و تنها، در سختی ها و مشکلات، به یاد خدا نباشید). بدانید! من هرگز چیزی را مانند بهشت ندیدم که طالبانش (این گونه) به خواب فرو رفته باشند و نه همانند آتش دوزخ که فراریانش (این گونه) به خواب فرو روند. آگاه باشید! آنها که از حق سود



نگیرند، زبان باطل دامنشان را خواهد گرفت و آن کس که (انوار) هدایت، او را به راه راست نبرد، (ظلمت) گمراهی او را به وادی هلاکت می‌کشاند. بدانید! فرمان کوچ برای شما صادر شده و به زاد و توشه (این راه پرخطر) راهنمایی شده‌اید. و ترسناک‌ترین چیزی را که بر شما از آن بیمناکم دو چیز است: هواپرستی و آرزوهای دراز (نخستین، انسان را از پیروی از حق باز می‌دارد و دومی، آخرت را به فراموشی می‌سپارد).

(حال که چنین است) در این دنیا، از این دنیا، زاد و توشه‌ای برگیرید که فردا بتوانید خود را با آن حفظ کنید.

خطبه ۱۰۰

بخش اول: الْحَمْدُ لِلَّهِ النَّاشِرِ فِي الْخَلْقِ فَضْلَهُ، وَالْبَاسِطِ فِيهِمْ بِالْجُودِ يَدَهُ. نَحْمَدُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ، وَنَسْتَعِينُهُ عَلَى رِعَايَةِ حُقُوقِهِ، وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعًا، وَبَذَرَهُ نَاطِقًا، فَأَدَّى أَمِينًا، وَمَضَى رَشِيدًا؛ وَخَلَفَ فِينَا رَايَةَ الْحَقِّ، مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقٌ، وَمَنْ لَزِمَهَا لِحِقٌ، دَلِيلُهَا مَكِيبٌ الْكَلَامِ، بَطِيءُ الْقِيَامِ، سَرِيعٌ إِذَا قَامَ، فَإِذَا أَنْتُمْ أَلْتُمْ لَهُ رِقَابَكُمْ، وَأَشْرْتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ، جَاءَهُ الْمَوْتُ فَذَهَبَ بِهِ، فَلَبِثْتُمْ بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَجْمَعُكُمْ وَيَضُمُّ نَشْرُكُمْ، فَلَا تَطْمَعُوا فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ، وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ مُدْبِرٍ، فَإِنَّ الْمُدْبِرَ عَسَى أَنْ تَزَلَّ بِهِ إِحْدَى قَائِمَتِيهِ، وَتَثْبِتَ الْأُخْرَى، فَتَرْجِعَا حَتَّى تَثْبُتَا جَمِيعًا.

ترجمه

ستایش مخصوص خداوندی است که فضل و بخشش خود را در تمامی مخلوقات منتشر ساخته، و دست جود و سخایش را به سوی آنان گشوده است! او را در تمام کارهایش ستایش می‌کنیم و برای رعایت حقوقش از او یاری می‌طلبیم؛ و گواهی می‌دهیم که جز او معبودی نیست و محمد بنده و فرستاده اوست. او را فرستاد تا فرمان حق را آشکارا بیان کند، و به تبیین اوصافش بپردازد.

او با امانت رسالت خویش را ادا کرد و با راستی و درستی به راه خود ادامه داد و پرچم حق را در میان ما به یادگار گذارد. پرچمی که هر کس از آن پیشی گیرد از دین خارج شود! و هر کس از آن عقب بماند، هلاک گردد! و آن کس که همراه و ملازم آن باشد (به سر منزل سعادت) می‌رسد.

راهنمای این پرچم، با تائی سخن می‌گوید و دیر به پا می‌خیزد؛ اما هنگامی که به پا خاست، با سرعت و قاطعیت پیش می‌رود. اما زمانی که شما تحت فرمان او در آیدید و با انگشت به سوی او اشاره کنید (و همه تسلیم فرمان او گردید) مرگ او فرا می‌رسد و دورانش سپری می‌شود و بعد از او، مدتی در انتظار خواهید بود، تا خداوند شخصی را ظاهر کند که شما را جمع نماید و پراکندگیتان را به جمعیت مبدل سازد. بنابراین، به چیزی که نیامده، دل نبندید و نسبت به آنچه گذشته، مأیوس و



نگران نباشید! زیرا آن کس که پشت کرده، ممکن است یکی از پاهایش بلغزد و دیگری برقرار ماند. سپس هر دو با هم، به جای خود باز گردد و ثابت شود (و پیروزی بیافریند).

بخش دوم: **أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ: إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلْتُمْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ، وَ أَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمُلُونَ.**

ترجمه

آگاه باشید! آل محمد (صلی الله علیه وآله) همانند ستارگان آسمانند که هرگاه یکی از آنها غروب کند، دیگری طلوع می کند. گویا (می بینم در پرتو خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله)) نعمت های الهی بر شما کامل شده، و آنچه را آرزو داشته اید، خدا به شما ارزانی داشته است.

رَبُّهُمُ عَلِيمٌ مُّذِئِبِ



دیرکشمیر
دیپارٹمنٹ
التعلیم
والعصر

وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی
اداره کل قرآن، عترت و نماز

